

وسيلة السعادة

في

فضيلة الزراعة

تأليف

حضرت آية الله آقای آسید حسین آقا

عرب باغی مجتهد

رعلی الله مقامه الشریف

رسالة
وسيلة السعادة
في فضيلة
الزراعة

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله والصلوة على رسول الله وآله آل الله

در کافی روایت کرده که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
الکیمباء الاکبر الزراعة یعنی زراعت کردن کیمیای بزرگ است .

و در کتاب قرب الاسناد از آن حضرت روایت کرده از پدرش که

حضرت امیر المؤمنین فرموده من وجد ماء او تراباً ثم افتقر فابعده الله
یعنی کسیکه آب و خاک یابد و بعد از آن محتاج گردد پس خداوند او
را از رحمت خودش دور گرداند (یعنی چرا زراعت نکند تا رفع حاجت
خود بکند) و در قاموس گفته افتقر یعنی محتاج گردید .

و در کتاب تهذیب از واسطی روایت کرده که از امام جعفر صادق

علیه السلام سؤال نمودم از فلاحین که راستکارانند ؟ که مراد از ایشان:

کدام مردمانند ؟ فرمود که ایشان زراعت کنندگانند و آنها خزینه خداوند

عالمند در زمین ، و نیست یک عملی که دوست تر باشد در نزد خداوند

تعالی از زراعت کردن و خداوند جل جلاله مبعوث نفرموده هیچکدام

از پیغمبران را مگر اینکه زراعت کنندگان بودند بغیر ، از حضرت ادریس

که خیاط بوده .

و در تفسیر شیخ عیاشی بسند خود از آن حضرت روایت کرده

در این آیه شریفه وعلى الله فليتوكل المتوكلون فرمود ایشان زراعت

کنندگان است .

و در کافی بسند خود از سهل روایت کرده که امام جعفر صادق فرمود که خداوند قرار داده ارزاق پیغمبران خود را در زراعت کردن و در حیوانات شیر دار و در نکه دازی حیوانات ، و در زراعت تا آن بزرگواران مکروه ندارند چیزی را از باران آسمان .

و نیز در آن کتاب از ابن عطیه روایت کرده که از آن حضرت شنیدم که میفرمود که خداوند اختیار فرموده از برای انبیاء شخم کردن و زراعت نمودن را تا این که ایشان مکروه ندارند چیزی را از باران آسمان .

نیز در آن کتاب بسند خود از بعضی از اصحاب آن حضرت روایت کرده که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که پدرم در اغلب اوقات میفرمود که بهترین عملها شخم کردن است که آنرا زراعت نماید و از آن زراعت نیکو کاران و بدکاران بخورند .

و نیکان آنچه میخورند طلب مغفرت میکنند و آنچه بدکاران میخورند از آن زراعت لعنت میکند زراعت بر آنها ، و از زراعت حیوانات و مرغان نیز میخورند .

و نیز در کافی از ابن هارون روایت کرده که از امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود در اکثر اوقات که زراعت کنندگان خزینه های مردماند که چیزی طیب را زراعت میکنند و خداوند برای ایشان چیزی طیب و طاهر را از زمین میرویانند و زراعت کنندگان در قیامت از بهترین مردمانند در مقام ایشان و نزدیکترند در قرب و منزلت در نزد خداوند و ندا میشوند که ای مبارکان :

و در تفسیر نعمانی در آیه شریفه **هو الذی انشا کم من الارض واستعمر کم فیها** از حضرت امیرالمومنین روایت کرده که خداوند بخواهر

داده در این آیه که بما امر فرموده بر تعمیر کردن زمین تا اینکه تعمیر زمین سبب شود بر معاش مردمان با آنچه برویاند از زمین از حبوبات و نمرات و آنچه مثل حبوبات و میوه جات است از آنچه قرار داده خداوند آن را معاش و گذران مردمان

و در کتب اربعه از سیاه روایت کرده اند که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که زراعت نمائید و درخت بنشانید و سوگند بخداوند که عمل نکرده اند مردمان يك عملی که حلال تر و طیب تر باشد از زراعت کردن و درخت کاشتن و قسم بخداوند که مردمان البته زراعت خواهند کرد و نیز درخت خواهند کاشت بعد از خروج دجال (یعنی بعد از دجال و کشته شدن او) با وجود اینکه نعمت و برکت بسیار و زیادتر خواهد شد و فقر و پریشانی از میان مردمان خواهد رفت و نیز مردمان زراعت خواهند کرد و درخت خواهند کاشت زیرا که خداوند بر ایشان امر کرده .

و در کافی از مسمم روایت کرده که آن حضرت فرمود زمانیکه حضرت آدم بزمین آمد محتاج شد بخوردن، و شکایت نمود بر جبرئیل احتیاج خود را و جبرئیل با او گفت یا آدم زمین را شخم بکن و زراعت بنما و در تفسیر عیاشی از جا بر روایت نمود که امام محمد باقر فرمود که حضرت رسول الله فرمود که زمانیکه خداوند حضرت آدم را بزمین نازل کرد امر فرمود بر او که با دست خود زمین را شخم کند تا اینکه از رنج دست خودش بخورد بعد از نعمت جنت (تا آخر حدیث)

و در کافی از زراره از آن حضرت روایت کرده که کسی در راه بحضرت امیر المؤمنین ملاقات نمود در نزد آن حضرت يك وسق دانه خرما بود که برای کاشتن میبردند (یعنی ده بوط و چیزی)

آن کس عرض کرد که اینها برای چیست؟ فرمود: اینها یکصد هزار درخت خرماست انشاءالله تعالی پس آنها را در زمین خو کاشت و یکی از آنها ضایع نشد و همه درخت خرما گردید.

و نیز در کافی از ابن سنان روایت نموده که امام جعفر صادق (ع) فرمود که حضرت امیرالمؤمنین باحمالها دانه خرما را در بیرون مدینه میبردند و باو گفتند که اینها چیست که با تو میبرند؟! فرمود اینها درخت خرما است پس آنها را میکاشت و یکی از آنها ضایع نشد.

و از این دو حدیث معلوم میشود که خود آنحضرت دانه خرما را می کاشت و این کار او یکمرتبه نبوده، و بلکه زیادتر بود و از این عمل می کرد.

و در کافی و تهذیب از ابن عطیه روایت کرده اند که از امام جعفر صادق (ع) شنیدیم که حضرت رسول الله (ص) اراضی را که بدست آمده بود در میان صحابه قسمت میکرد و بر امیرالمؤمنین یک قطعه زمین رسید پس آنحضرت امر کرد که در آنجا قنات حفر نمایند و کاریز اجداث نمایند و حفر کنندگان بنای کنند نمودند در آن زمین و آب جاری شد و بر بلا جستن کرد مثل گردن شتر و آن آب را بنوع نامیدند و بآن حضرت بشارت آوردند.

پس فرمود که مژده باد بورته آن قنات و آن زمین و بآنکسانی که از آن خواهند خورد که آن آب و آن زمین را وقف کردم و از من بریده شد و از برای حج کنندگان و مسافرین است و عایدات آن در راه خداوند بوده که فروخته نشود و آن ارث نباشد و هبه نگردد و هر که آنرا بفروشد و یا هبه کند لعنت خداوند و ملائکه و جمیع مردمان بر او باد و قبول نمیکند از آنکس عمل خیر را.

و دروافی گفته که مراد از ورثه در این حدیث که باو بشاره میدهند موقوف علیهم است که حج کنندگان و مسافرین درواہ خداوند بوده .-

و نیز در آن کتاب از شعام روایت کرده اند که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که حضرت امیر المؤمنین يك هزار بنده آزاد نمود از دسترنج خود .

و در کافی از فضیل روایت کرده که آن حضرت فرمود که حضرت امیر المؤمنین در اکثر اوقات ییل کاری میکرد و زمین را آباد مینمود و قابل زراعت میشد (تا اینکه فرمود که) آن حضرت از دست رنج خود و مال مخصوص خودش هزار بنده آزاد نمود .

و نیز در کافی از عمار روایت کرده که امام جعفر صادق (ع) از پدرش نقل کرد که حضرت رسول الله (ص) يك سنگی را بر آه آب سیل گذاشت که آب سیل را از زمین خود رد میکند ، و سوگند بخداوند که آن سنگ بشتر و یانسان صدمه نزده تا با امروز .

و نیز از زراره روایت کرده که کسی با امام جعفر صادق ع گفت که من نمیتوانم بادست خودم عمل نمایم و خرید و فروش را خوب نمیدانم و من صاحب صنعت بودم و محتاج شده ام .

آن حضرت فرمود که پس عمل بکن و حمالی بنما بر سرت و از مردمان بدون احتیاج باش و حضرت رسول الله يك سنگی در گردن خود برداشت و آن را در دیوار باغ خود گذاشت و آن سنگ الان در آن دیوار باغ است و ندانسته اند که آن سنگ چقدر است . عمق آن مگر اینکه در آنجا بوده .

و در کافی و کتاب فقیه از ابو حمزه روایت کرده اند که امام موسی

کاظم را دیدم که در زمین خود عمل میکرد و پایهایش عرق کرده بود .
 عرض کردم فدایت شوم پس نوکهای شما کجا بیند که شما عمل میکنید؟
 فرمود هر آینه عمل کرده بادست خود کسانیکه از من و از پدرم افضل
 بودند و در زمین خودشان عمل میکردند ، عرض کردم که ایشان کدام
 کسانیند که از تو و پدرت افضل بودند ؟

فرمود ایشان حضرت رسول الله (ص) و امیر المؤمنین ع بود و همه
 آباء و اجداد. من در زمین خود عمل کرده اند بادست خودشان و این عمل
 بادست از عمل انبیاء و مرسلین و صالحان است

و در کافی از شیبانی روایت نموده که امام جعفر صادق را دیدم
 که در دست او بیل بوده و پیراهن غلیظی پوشیده بود و در باغ خود
 عمل میکرد و عرق از پشت او می ریخت ؛ عرض کردم فدایت شوم بیل
 را بمن بده تا برای تو عمل نمایم.

فرمود من دوستدارم که شخص در گرمای آفتاب زحمت کشد در
 طلب معاش خود .

و نیز در آن از ابوبصیر روایت کرده که از آن حضرت شنیدم می-
 فرمود که من در زراعت خودم عمل میکنم تا اینکه عرق بکنم و حال
 اینکه من عمله دارم که عمل مرا مینماید از جهت اینکه خداوند بداند
 که من طلب رزق حلال میکنم .

و از ابن جابر در کافی روایت کرده گفت بحضور آنحضرت
 رسیدم و دیدم که در باغ خود بدست او بیل بوده و با آن راه آب را
 باز میکند و در بدتش پیراهن کرباس تنگی است که گویا آنرا بیدنش
 دوخته اند

و در تقیه از فضیل روایت نموده که ما چند نفر بودیم و بحضور

آنحضرت داخل شدیم و دیدیم که در باغ خرماى خود عمل میکرد .
عرض کردیم فدایت شویم بگذار ما عمل نمایم : و یا غلامان شما عمل
نمایند .

فرمود نه بگذارید مرا و من دوست میدارم این را که خداوند
مرا در عمل کردن ببیند که با دست خود عمل میکنم و طلب رزق حلال
مینمایم . بزحمت نفس خودم .

و از این احادیث و امثال اینها چند مطلب معلوم شد :
اول - بودن زراعت مثل کیمیای بزرگ در بدست آوردن ثروت
و جمع کردن مال .

دویم - باوجود بودن آب و خاک برای کسی فقیر شدن او از
اسراف نمودن او بوده و آنکس از رحمت خداوند دوراست زیرا که
او بدعمل و کسالت و بطلالت کرده ، و در فضولات خرج نمود نه در واجبات
معاشی .

سیم - بودن زراعت باعث وستکاری و از اهل توکل کنندگان به
خداوند .

چهارم - بودن زراعت از طیب و حلالترین کسبها و مبارک بودن
آن و اهل آن .

پنجم - بودن زراعت از عمل پیغمبران و اوصیاء ایشان و صالحان
بندگان خداوند از حضرت آدم تا خاتم ایشان بغیر از ادیس که در عوض
زراعت خیاطت میکرد .

ششم - بودن حضرت رسول الله (ص) و امیر المؤمنین (ع) زراعت
کننده و هم چنین امامان و اهل بیت ایشان و اولاد آن بزرگواران .
هفتم - بودن آن حضرات عمل کنندگان یا دست خودشان در

زمین خود باییل کاری و درخت کاشتن آن حضرات در باغات خودشان
 خصوصا امیرالمؤمنین و بلکه حضرت رسول الله (ص)
 چنانکه در کافی در حدیث، فضیل از امام جعفر صادق استکه فرمود
 و کان رسول الله یمص النوی بقبه فیغرسه فیطلع من ساعته
 یعنی آنحضرت دانه خرمارا با آب دهان خودش تر میکرد و آن
 را میکاشت و همانساعت نمو می نمود .

و از این حدیث معلوم میشود که باغات رسول الله بادست خودش
 بسیار بوده زیرا که معنای کان یغرس اینستکه این عمل بسیار بود
 هشتم بودن حضرت رسول الله و امیرالمؤمنین و امامان اهل بیت
 از صاحبان ثروت و اموال و املاک بسبب زراعت کردن و درخت کاشتن
 ایشان و عمل نمودن بادست خود در زمین خودشان .

و نیز در احادیث وارد است، که طلب رزق حلال

از افضل عبادات است

چنانکه در کافی و تهذیب از ابو خالد از امام محمد باقر روایت
 کرده اند که ر. و ل الله فرمود که عبادات هفتاد جزء است و افضل آنها
 طلب رزق حلال است .

و این را در کتاب معانی الاخبار از سکونی از امام جعفر صادق ع
 از رسول الله نقل کرده .

و مثل این را نیز در کتاب ثواب الاعمال از ابن یحیی روایت نموده
 پس بنابراین احادیث طلب رزق حلال از افضل عبادات شد ، و
 از اینجهت حضرت امیرالمؤمنین (ع) و امامان از اولاد او در این عمل
 بودند چنانکه .

در قیبه روایت نمود که امیر المؤمنین (ع) در گرمای تابستان و آفتاب از خانه بیرون میشد در حاجت خود و آن را درست میکرد و اراده مینمود که خداوند او را به بیند که او نفس خود را در طلب رزق حلال بزحمت انداخته .

و در حدیث ابن منکدر در کافی و تهذیب است که او گفت که امام محمد باقر را در گرمای آفتاب در باغ خودش دیدم که عمل میکرد و با او گفتم که تو بزرگ جماعت قریبی و در این ساعت گرمای آفتاب در طلب دنیا بوده و اگر اجل تو برسند در این حال چه خواهی کرد ؟

فرمود هر گاه اجل من برسد در این حال پس خواهد رسید . در حالیکه من در طاعت خداوند بوده ام (تا آخر حدیث) که حاصل آن این است)

و مثل این را در اندو کتاب با مختصر فرقی از عبد الاعلی در امام جعفر صادق ع روایت نموده اند :

و نیز در کتب اربعه روایت کرده اند که رسول الله میگفت خداوند ما مبارک بکن نان را بما و جدائی نکن در میان ما و نان و اگر برای ما نان نباشد نمی توانیم نماز و روزه بجا بیاوریم و واجبات خداوند را ادا نماییم

و در آن کتب از امام جعفر صادق (ع) روایت نموده اند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود ملعون است آن کسیکه معاش خود را بر معانی اندازد و برایشان کف شود .

و در حدیث عقیل در کافی آنحضرت فرمود که بر مردمان کل بشوید (یعنی خودتان عمل بکنید برای معاش خود)

و در کافی و تهذیب از ابن ابی یغفور روایت نموده اند که کسی با امام جعفر صادق (ع) گفت سوگند بخدا که ما طلب دنیا مینماییم و دوست میداریم که مال دنیا داشته باشیم، آنحضرت فرمود دوستداری با آن مال چه بکنی؟

گفت اتفاق بکنم بخود و بر عیال خودم و صله ارحام بنمایم و تصدق بدهم و حج و عمره بجا آورم. فرمود این طلب دنیا نیست و بلکه طلب آخرت است این.

و در آندو از ابن جمیع روایت کرده اند که در اغلب اوقات آن حضرت می فرمود که خیری نیست در کسیکه جمع نکند مال را از حلال که باز دارد خود را از حرام و قرض خود را ادا بکند و با آن صله ارحام نماید.

و در کافی و فقیه از سکونی از آن حضرت روایت کرده اند که رسول الله (ص) فرموده خوب اعانت کننده است بر برهیز کاری غنی بودن و صاحب ثروت شدن

و نیز در آندو کتاب از ذویح روایت کرده اند که آنحضرت فرمود که مال دنیا خوب اعانت کننده بر آخرت است. و در کافی از عبدالاعلی روایت کرده که آنحضرت فرمود از خداوند سؤال بکنید غنی بودن و عافیت را در دنیا و رحمت و مفقوت را در آخرت.

و از امثال این احادیث در جوامع اربعه بسیار است. و از این جهت امامان اهلیت صاحبان ثروت و اموال بودند و غنی ترین مردمان در ولایت خود در زمان خودشان بودند.

و در کافی و قیة و علل الشرایع از ابن بکیر روایت کرده اند که امام جعفر صادق ۴ فرمود که من از شما یکدرهم اخذ میکنم و حال اینکه من غنی ترین اهل مدینه هستم و اراده میکنم که اموال شما پاك باشد.

و در کافی از یونس روایت کرده از بعض اصحاب خودش که بآن حضرت گفتم فدایت شوم بمن رسیده که در غله چشمه زیاد چه میکنید؟! و خواستم از شما شنیده باشم.

فرمود بلی امر میکنم زمانیکه وقت رطب میشود و دیوارهای باغ را سوراخ میکنند تا مردمان بر باغ داخل شوند و بخورند و امر میکنم در هر روز ده طبق رطب بگذارند و در هر طبق ده نفر بنشینند و هر یکی يك مد بخورد از آن و بعد امر میکنم که از برای همسایه گان باغ از مرد پیروزن عجزوزه و اطفال و مریضا و زنها و بر آنکسانیکه قادر نشوند بر آمدن بر آنجا تا بخورد از برای هر یکی در هر روز يك مد رطب تا وقت بریدن خرماهای آن باغ و بعد از بریدن خرماهای آن باغ حقوق نوکرها و محنتکاران را و و کلاء و عمله ها را ازان خرما میدهم و باقی را حمل و نقل میکنند بر مدینه پس قسمت میکنم بر اهل خانه ها:

و بر اهل استحقاق از برای هر کدام از ایشان یکبار و دو بار و سه بار شتر و یا کمتر و زیادتر بقدر استحقاق ایشان و بعد از همه اینها باقی می ماند برای من چهارصد مثقال طلا، و غله چشمه زیاد در سالی چهار هزار مثقال طلا است (یعنی اگر با جاره داده شود).

و در کافی و کتاب محاسن برقی از جعفری روایت کرده اند که آن حضرت فرمود زمانیکه میوه باغات میرسد حضرت رسول الله ص امر می کردند تا دیوارهای باغات خود را سوراخ میکردند.

و مثل این حدیث را از ابن سنان روایت کرده و در کافی و در آن فرموده که دیوارها را سوراخ مینمودند از برای مرور کنندگان و از این دو حدیث معلوم می شود که حضرت رسول الله باغات متعدد داشته ، و در سابق ذکر شد که آن حضرت دانه خرما را با آب دهان خود ترمیکرد و میکاشت .

و از حدیث چشمه زیاد معلوم شد و واضح گردید که امام جعفر صادق ۴ ثروت زیادتر داشته و صاحب املاک بوده که در هر سال چهارصد هزار مقل طلا حاصل آن باغ بوده که از چشمه زیاد آبیاری میکردند . و در کافی از احمد بن محمد روایت کرده که از امام رضا ۵ سؤال کردم از هفت باغات و معحوطه که از رسول الله ۱ ارث مانده بود بر فاطمه زهرا علیهما سلام و فرمود که آنها ارث نبود و آن باغات وقف بود بر آن معصومه (نا اینکه فرمود) :

که نامهای آنها اینست که دلال ، و عواف ، و حسنی ، و صافیه و آنچه از برای ام ابراهیم بود و وثیب ، و برقه بود .

و در کتب اربعه از ابو بصیر روایت کرده اند که امام محمد باقر ۵ فرمود که برای تو وصیت مادرم فاطمه زهراء را قرأت نمایم ؟ گفتم بلی پس مکتوبی بیرون کرد .

بسم الله الرحمن الرحيم این آنچه است که وصیت نمود فاطمه دختر رسول الله بر هفت معحوطه باغات خود را که عوف و دلال و برقه و وثیب و حسنی و صافیه ، و آنچه از برای ام ابراهیم بوده و وصیت نمود بعلی (نا آخر وصیتنامه) .

و در کافی و تهذیب از بجلی روایت کرده اند که حضرت امام موسی کاظم ع بمن فرستاد وصیت نامه حضرت امیر المؤمنین را و آن این بود :

بعد از بسم الله که . .

این وصیت علی است از برای رضای خداوند آنچه از برای من بوده، از مال ذر ینبوع و در اطراف آن، صدقه است (تا اینکه فرمود):
و آنچه از برای من بوده است در وادی القری همه اش مال اولاد فاطمه است و عبدهای آن صدقه است، ز آنچه از برای من بود و ددیمه و اهل آن صدقه است (تا اینکه فرمود):

و آنچه از برای من بود در اذنیه و اهل آن صدقه است و قصیره چنانکه دانسته اید صدقه است در راه خداوند و آنچه نوشتم از اموال خودم صدقه است واجب و از خودم بیرون کرده ام (یعنی بر تحویل موقوف علیهم دادم) در حال حیات خودم، و بعد از وفات من و انفاق شود در هر انفاقی که رضای خداوند در آن بوده در صاحبان رحم از بنی هاشم (تا آخر وقفنامه)

و در فقیه و تهذیب از بعلی روایت کرده اند که امام موسی کاظم وصیت کرد بر این صدقه که، این آنچه است که صدقه نمود این را موسی بن جعفر و صدقه کرد زمین خود را در مکان فلان و فلان و حد زمین چنین و چنان، و تصدق کرد همه آن را با نخل آنها و زمین آنها و بیاض آن و آب آن و اطراف آن و حقوق آن و حق شرب آن و هر حق آن از قلیل و کثیر که از برای آن زمین است در مرفع و مظهر و یا در مفیض و یادر مرفق و یا در ساحت و یا در شعبه و یا در مشعب و یا در مسیل و یا در عمرو یا در غامر تصدق نموده با جمیع حق او از این زمین بر اولاد خود از مردان و زنان (تا آخر وقفنامه)

و مراد از صدقه در این احادیث وصیت نامه ها همان وقف است

زیرا که حد اینهاست التي ان یرث الله الارض

و از این احادیث و از امثال اینها معلوم می شود که حضرات امامان اهل بیت و خصوصاً حضرت رسول الله ص و امیر المؤمنین ع صاحبان ثروت و املاک و اموال و از اغنیاترین ولایت خودشان بودند و بعد از وفات آن حضرات ان اموال و املاک را وقف بر اولاد خودشان و بر اقربای خود از بنی هاشم نمودند و آن املاک و زمین ها را خریده بودند، و یا احیاء کرده اند از اراضی موات و بیابانها و دره های کوهها در مدینه و در اطراف آن در بلاد حجاز، مثل بنوع امیر المؤمنین علیه السلام که ذکر شد پس غنی بودن و صاحب ثروت شدن آن حضرات از این وقف نامه ها معلوم میشود چنانکه حضرت صادق در حدیث ابن بکیر فرمود

پس واضح شد که حضرات امامان اهل بیت و رسول الله صلی الله

علیهم اجمعین بمردمان محتاج نبودند از اخذ خمس و سائر وجوهات شرعیه چنانکه در کافی از حسین بن محمد روایت کرده که امام جعفر صادق فرمود که هر که خیال و گمان بکند که امامان اهل بیت بمال مردمان محتاج می شوند و بر آنچه در دست آنهاست احتیاج دارند پس آن کس کافر است و بلکه مردمان محتاجند که امام از آنها چیزی قبول نماید از خمس و زکوة چنانکه خداوند فرموده :

خذ من اموالهم صدقة تطهرهم و تزكهم بها .

و آن املاک در دست اولاد امامان بود و لکن سلاطین جور و غاصبان و ظالمان از دست اولاد آن حضرات گرفتند و غصب کردند .

و سیعلم الذین ظلموا آل محمد حقهم ای منقلب یقلبون

و ختم شد این مختصر بدست حقیر فانی حسین بن نصر الله الموسوی

عرب باغی در ساعت اول از روز هشتم از دهه اول از ماه یازدهم از سال اول از عشره هفتم از صد چهارم از هزار دوم از هجرت رسول الله صلی الله علیه و آله و ختم شد برای نشر بدست حقیر سید محمود بن سید جعفر الموسوی الزرنندی فی لیلة الثامن عشر من صفر الخیر من شهر ۱۳۶۷ ناشر حاج معینی